

سرمقاله



**«این بیان که سلول‌های عصبی، اندیشه را می‌آفرینند، احتمالاً بیانی درست است، ولی درعین حال، این مطلب که اندیشه، سلول‌های عصبی را می‌آفریند نیز به همان اندازه، درست خواهد بود...»**

□ به خاطر ندارم که جمله فوق را در چه کتاب و مرجعی خواندم و آن را در دفتر کهنه خاطرات خود یادداشت کردم. از هر که هست، و یا هر کجا بوده است، چنین تفکری را سال‌ها با خود داشته و سعی بر آن نمودم که در تناقضات تخصصی‌ام، از آن بهره بگیرم... تناقضات تخصصی که در برخورد با دیگران به وجود می‌آید، و یا در برخورد با پدیده‌ها و سازمان‌های موجود در اطراف و اکناف این سرزمین پهناور، با آن مواجه می‌شوم. وقتی چهره در چهره کسانی داریم که سخن از تخصص می‌گویند، ولی رفتارشان، تخصصی در دوگانگی را تداعی می‌کند، به خدا بایستی پناه برد اگر ورزش برای تخلیه تنش‌ها توصیه می‌شود، با ورزش فکری که مبتنی بر فرآیند جمله فوق است نیز، می‌توان بر این گونه تناقضات، چیرگی یافت و همین فرآیند هر روز تدبیران و متخصصانی است که اخلاق حرفه‌ای خود را، از جمله مقدمات می‌شمرند و از آن، همچون جواهری گرانبها محافظت می‌کنند.

این تناقضات، برای کارشناسان مهندسی صنایع که امروزه آنها را بایستی مهندسان علوم مدیریت نامید، بسیار ملموس است. آنها هستند که علوم مدیریت، فرضیه‌های جدید در رفتارهای سازمانی، شکل‌دهی و برپایی سامانه‌های تولیدی و خدماتی، مسیری و ارزیابی سامانه‌های موجود را به عنوان موضوعات اصلی کار خود، پیش روی دارند و نیز آنان هستند که فلسفه کاری خود را، نوآوری، تحول و خلاقیت قرار داده‌اند و بایستی تناقضات را تحمل کنند.

نوآوری، به قدرت تصویرسازی نیاز دارد. ذهنی که تمرین تصویرسازی نکرده است، چگونه می‌تواند در بلندمدت، اثر بخش باشد؟! تصویرسازی در مدیریت، نیاز به ابزارهایی برای تمرین دارد و ابزارهای یک مدیر، اطلاعات، محیط تجربه و نیز ارتباط با کسانی است که در تبادل تصویرها، ذهنی فعال دارند. گسترش دوره جوانی ذهن، برای مدیران ضروری است و در این رابطه، عادات ذهنی اهمیت بسیاری دارند؛ زیرا زمانی که ذهن کارشناسان فعال باشد، می‌تواند جوانی و شادابی هوش و حافظه خود را حفظ کند.

ایجاد چالش‌های ذهنی و تصویرسازی از آینده سازمان، شرکت و یا مؤسسه، مسایل امروز را قابل حل می‌کند. اگر مدیران، به چنین فرآیندی تکیه کرده و نسبت به این مهم، مسئول باشند، آنگاه به کارشناسان خود، چون سرمایه‌هایی برای آینده می‌نگرند و به علاوه، مصلحت‌اندیشی امروز را، به منفعت‌اندیشی جمعی در آینده، تبدیل می‌نمایند... از عداوت نمی‌گزینند و اخلاق حرفه‌ای را به عنوان حداقل استاندارد رفتار سازمانی، می‌پذیرند.

بی‌نظمی‌های سازمان یافته مورد علاقه مدیران کوتاه‌اندیش، مبتنی بر دیدگاه منفعت‌طلبی‌های کوتاه‌مدت شخصی است. این مسأله، در تضاد و تناقض با فلسفه فعالیت و کار مهندسان صنایع است؛ که به بلندمدت می‌اندیشند و اخلاق حرفه‌ای خود را فدای مصلحت‌های شخصی نمی‌کنند. به همین دلیل، در شرایط عدم تعادل اقتصادی، که منفعت‌طلبان، در تصاحب اموال ملی کوشش دارند، مهندسان صنایع، دچار تناقضاتی می‌شوند که آنها را به مبارزه علیه شرایط مذکور فرامی‌خوانند.

بنابراین مهندسان صنایع، بایستی رویکردی چندسویه را سرلوحه کار خود قرار دهند؛ یعنی از سویی در مسایل امروز سازمان فعال باشند و از سوی دیگر، نوآوری و ورزش فکری را فراموش نکنند و در بیمودن راه‌دشوار ارتباط با هم‌دوران، به گونه‌ای رفتار کنند تا تمایل آنها را به حفظ و ارتقای سازمان برانگیزند:

